



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۰/۲۳

م. اسحاق نگارگر

معارف افغانستان

در آینده نه چندان دور گرفتار انفجار بزرگ خواهد شد

در کابل فرصت دست داد که به زیارت دوستان خویش در نصاب تعلیمی وزارت معارف برسیم. اینان زنان و مردانی کم ادعا استند که در گوشه نشسته اند و بدون مأخذ و مدارک کافی و کتابخانه مجهز سرگرم نگارش کتاب های گوناگون درسی استند. اینان خون دل خود را می خورند تا کرسی نشینان بالارتبة وزارت معارف دست بر سینه بکوبند و با افتخار بگویند که ما فلان تعداد کتاب به دست نشر سپرده ایم. من احساس می کنم که معارف افغانستان در آینده نه چندان دور گرفتار انفجار بزرگ خواهد شد. این معارف همانند یک پوقانه بسی بیشتر از ظرفیت خود پندانده شده است و به هیچ وجه یک معارف متوازن نیست و دولت هرگز نمی تواند قدرت جذب و استخدام این همه فارغ التحصیل را داشته باشد. ما به حساب یک سازش وکیلان و وزیران برای حصول رأی اعتماد در غالب ولایت های خود پوهنتون ها و مؤسسات عالی تعلیمی داریم ولی استاد صاحب صلاحیت تدریس نداریم و اساساً معیار های ما در انتخاب معلمان معیارهای مبتنی بر واسطه بازی و رشوه خواری است و ریاست های معارف از هزار تا دو هزار دالر برای گماشتن معلمان رشوه طلب می کنند. در این مورد نیز همانند رشوه ستانی قاضیان ممکن است شورای معارف همانند شورای قضا یک اعلامیه پخش و در آن تکذیب کند که رشوه ستانی در معارف هرگز وجود ندارد ولی آن اعلامیه نمی تواند حقیقت امر را پنهان کند. در این معارف غیر متوازن شاگرد های ولایات نمی توانند با شاگردان پایتخت رقابت نمایند و بنا بر این اکثریت مطلق شان به اصطلاح بی نتیجه می مانند. این یک سر این گره مغلق است و اما سر دیگر اینکه اکثریت شاگردان نمی توانند از هفتخوان کانکور بگذرند اما اگر پول داشتند و توانایی پرداخت فیس در بساط شان بود می روند و بدون دغدغه کانکور شامل پوهنتون های خصوصی می شوند و آن پوهنتون ها نیز برای شان بدون در نظر گرفتن استاندارد های لازم درجه های ماستری می دهند و به سوی اردوی بیکاران روان شان می کنند و کسانی که پول ندارند والدین خود را وادار می سازند که برای شان قرض و قواله کنند و پول پیدا کنند و هنگامی که پول در دست جوان افتاد او در جست و جوی قاچاقبر انسان ها می گردد تا پولش را بگیرد و او را از سرحدات کشورش بیرون ببرد و حالا چه بر سر این جوان می آید و در دیار غیر چه قدر رنج تنهایی و بی همزبانی می کشد ماجرای است که همه از آن خبر دارند.

به اهتمام ولی احمد نوری

اولیای دولت وحدت ملی باید بدانند که تهداب این معارف کج نهاده شده است و بنابر این دیوارش تا ثریا کج می رود. ضرور نیست که ما در ولایت های درجه دو و حتی درجه سه پوهنتون داشته باشیم ولی استاد و تجهیزات نه و برخی از لیسانسه های ما با هزار تا یک هزار و پنجمصد دالر رهسپار تاجیکستان شوند و بعد از اقامت چند ماهه لقب دوکتور را پیشبند نام خود بسازند که به قول انوری:

شعر نا گفتن به از شعری که آید نا درست

بچه نا زادن به از شش ماهه افگندن جنین

تا حال وزرای معارف که خود تجربه معلمی نداشته اند پول خرج کرده اند ولی در بدل پول کالا یا ارزشی به دست نیاورده اند. اگر دیگران ندانند دوستان من در نصاب تعلیمی خوب می دانند که در یک معارف غیر متوازن نوشتن و تولید کتاب های استاندارد بسیار مشکل است و به همین دلیل غالب معلمان می گویند که کتاب های درسی از سویه شاگردان بسیار بالا است. حالا اگر اولیای دولت ملی می خواهند کار را به صلاح آرند و این سرنی را که تا حال از جهت غلط دمیده شده است به صورت طبیعی بدمند برخی را از همین نصاب تعلیمی برگزینند و برای تحصیل در رشته تالیف کتاب های درسی خارج بفرستند و در راه تربیت ماستر ترینان نیز همت بگمارند و کم از کم هفتاد نفر را تربیت کنند که برای هر ولایت دو ماستر ترینر بفرستند تا معلمان مکاتب را تربیه کنند و باز معلمانی را که تربیه می کنند با روش های جدید اصول تدریس آشنا سازند و از همه مهمتر فساد و رشوه خواری را از معارف برچینند و آنگاه خواهند دید که یک گام درست بیش از صد گام غلط ارزش دارد. به قول معروف:

دبستانی که درسش فکر نو ایجاد نتواند

به تعلیم و به درس و کله استاد آتش زن

برای شاگردان هنر کنجکاو را بیاموزید و آنگاه بنشینید و تماشا کنید که شاگرد چه گونه خود می آموزد و به دیگران نیز می آموزاند. گریبان معارف را از چنگال این شیوه از بر کن و فراموش بنما نجات بدهید. والله اعلم بالصواب.
۲۳ اکتوبر ۲۰۱۴ شهر مزار شریف نگارگر